

«حیای جنسی»، «خودشفقت‌ورزی» و «سبک‌های دلبستگی به خداوند»؛

مقایسه زوجین متقاضی طلاق و عادی

روح‌الله براتیان*

محمد مهدی شمسایی**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه «حیای جنسی، خودشفقت‌ورزی» و «سبک‌های دلبستگی به خداوند» در «زوجین متقاضی طلاق» و «زوجین عادی» شهر گرگان انجام شد. روش تحقیق، توصیفی و از نوع پژوهش‌های علی-مقایسه‌ای بود. از جامعه آماری زوجین متقاضی طلاق، ۱۲۰ زوج با روش نمونه‌گیری در دسترس و از جامعه زوجین عادی ۱۲۰ زوج به صورت هدفمند انتخاب شدند. آزمودنی‌ها پرسشنامه‌های حیای جنسی-فرم خلاصه شده، خودشفقت‌ورزی-فرم کوتاه و سبک‌های دلبستگی به خداوند-فرم خلاصه شده تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس مانوا استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که زوجین متقاضی طلاق نسبت به زوجین عادی نمرات کمتری در آزمون حیای جنسی و سبک‌های دلبستگی به خداوند کسب کردند. بین دو گروه در مقیاس خودشفقت‌ورزی تفاوت معناداری به دست نیامد. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود در مشاوره‌های پیش از ازدواج حیای جنسی و سبک دلبستگی به خداوند زوجین مورد ارزیابی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حیای جنسی، خودشفقت‌ورزی، سبک‌های دلبستگی به خداوند، زوجین، طلاق.

* کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی بندرگز (نویسنده مسئول) ruhollahbaratian@gmail.com
** استادیار روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی بندرگز و عضو مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران m.m.shamsaee@gmail.com

مقدمه

یکی از مشکلات تهدیدکننده خانواده‌ها، پدیده طلاق است که امروزه شیوع آن در ایران افزایش نگران‌کننده‌ای داشته است (نظری و همکاران، ۱۳۹۴). زمانی که محیط خانواده به‌عنوان اساس اصلی هر جامعه، سرد، متضاد و ناسالم شود؛ می‌تواند مشکلات زناشویی ایجاد کند (کمپل،^۱ ۲۰۱۳). طلاق در لغت به معنای گشودن گره و رها کردن و عبارت است از: زائل کردن قید ازدواج با لفظ مخصوص (صفایی و امامی، ۱۳۹۴، ص ۲۴۳)؛ همچنین در موضوع طلاق، میل به آن نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. منظور از میل به طلاق، جدا شدن و گسستن روابط زناشویی طی مراحل قانونی است (نظری و همکاران، ۱۳۹۴). طلاق یک پدیده چندوجهی است؛ زیرا از یک سو، پدیده‌ای روان‌شناختی و از سوی دیگر، یک پدیده اجتماعی و حتی یک پدیده اقتصادی و از زاویه دیگر پدیده‌ای حقوقی است. از آنجا که علل و زمینه‌های گوناگون و نیز بستر یک نظام اجتماعی در شکل‌گیری طلاق مؤثر می‌باشد، به‌عنوان یک پدیده اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (حاجی حسینی شاهرودی، ۱۳۸۰).

یکی از علل عمده طلاق ناپایبندی به مسائل دینی و مذهبی است (عنایت و همکاران، ۱۳۹۲)؛ در واقع باورهای مذهبی و معنوی نقش بسیار مهمی در کارکردهای سالم خانواده دارد (امان الهی و همکاران، ۱۳۹۶). قرآن کریم آن‌گاه که صفات مردان و زنان مؤمن را برمی‌شمارد، در کنار دیگر صفات ارزشمند مؤمنان، یکی از صفات آنان را حفظ عفت و پاکدامنی بیان کرده، می‌فرماید: «وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ» (احزاب، ۳۵)؛ مردانی که دامان خود را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ می‌کنند، زنانی که عقیف و پاک‌اند (جوکار، ۱۳۹۲). رسول خدا ﷺ نیز می‌فرماید: «هر دینی خویی دارد و خوی اسلام، حیاست»^۲ (ابن ماجه قزوینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۱۳۹۹؛ به نقل از پسندیده، ۱۳۸۵). در دین اسلام مجموعه‌ای از عوامل مهارکننده و نظم‌دهنده وجود دارند که هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارند و به نوعی این کنترل را اعمال می‌کنند. یکی از مهم‌ترین عوامل خودنظم‌دهی که دین معرفی می‌کند، «حیا» است (پسندیده، ۱۳۸۵). حیا، شرم از انجام اعمال زشت در محضر ناظر محترم (خادم پیر، ۱۳۹۴) و نوعی توانایی و خویش‌داری ارادی فرد در انجام اعمالی است که خلاف قاعده، شرع و عرف می‌باشد (اسدیان و همکاران، ۱۳۹۴). یکی از انواع حیا، حیای جنسی است که نوعی خویش‌داری جنسی، حیای از برهنگی و افعال زشت یا شرم‌برانگیز است (گلزاری، ۱۳۷۹). این مفهوم نزدیکی زیادی با

1. Campbell

۲. إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ خُلُقًا وَ يُنْخَلَقُ الْإِسْلَامُ الْحَيَاءَ.

خویش‌داری جنسی^۱ و عفاف^۲ در فرهنگ‌های غیرمسلمان دارد و به این نکته اشاره می‌کند که افراد باید نخستین رابطه جنسی را در ازدواجشان تجربه کنند (وینتر، کاروونن و رز، ۲۰۱۴^۳).

افزون بر حیا که موجب رعایت حدود و مرزهای الهی، وفاداری به همسر و خودداری از هر گونه روابط نامشروع است (جوکار، ۱۳۹۲)، خودشفقت‌ورزی می‌تواند عاملی برای بهبود صمیمیت و رضایت در بین زوجین شود (مصطفویان، ۱۳۹۴). نف^۴ (۲۰۰۳)، خودشفقت‌ورزی^۵ را به‌عنوان توانایی حفظ احساس‌های شخص از رنج کشیدن همراه با یک احساس سرگرمی، ارتباط و محبت تعریف می‌کند که در سه بعد توصیف می‌شود: مهربانی به خود^۶ در برابر قضاوت کردن خود^۷، اشتراک انسانی^۸ در مقابل انزوا^۹ و ذهن آگاهی^{۱۰} در برابر همانندسازی افراطی.^{۱۱} درست همان‌طور که می‌توانیم نسبت به رنج دیگران احساس رحم و شفقت کنیم، هنگام تجربه رنج می‌توانیم شفقت را در خود گسترش دهیم (نف و جرمر، ۲۰۱۷^{۱۲}). هر چقدر افراد نسبت به خود و دیگران شفقت بیشتری داشته باشند، مشکلات و دشواری‌های زندگی را به‌عنوان بخشی از تجربه مشترک میان همه انسان‌ها در نظر می‌گیرند و آن را آگاهانه و با ملایمت می‌پذیرند (مصطفویان، ۱۳۹۴) و نیز از سویی موجب می‌شود زوجین هنگام شکست و ناتوانی، صمیمیت بیشتر و خودتنظیمی مثبتی نشان دهند و از سوی دیگر نسبت به هم نگرش‌های صمیمانه بالایی القا کنند و پاسخ‌های مثبتی چون لبخند در آنان افزایش یابد (دشت بزرگی و همکاران، ۱۳۹۶).

مفهوم معنوی دیگر تأثیرگذار بر روابط عاطفی و رضایت زناشویی، دلبستگی به خداوند است (امان الهی و همکاران، ۱۳۹۶). موضوع دلبستگی نخستین بار به وسیله بالبی^{۱۳} (۱۹۶۹) مطرح شد. دلبستگی پیوند عاطفی عمیقی با افراد خاص زندگی است و موجب می‌شود وقتی با آنها تعامل می‌کنیم، لذت ببریم و در مواقع استرس‌زا از نزدیکی آنها احساس آرامش کنیم (برک، ۲۰۰۷^{۱۴}).

1. Sexual abstinence
2. Chastity
3. Winter, Karvonen & Rose
4. Neff
5. Self-compassion
6. Self-Kindness
7. self-judgment
8. human community
9. isolation
10. mindfulness
11. over-identification
12. Neff & Germer
13. Bowlby
14. Berk

ص ۳۴۵-۳۴۷). دل‌بستگی ممکن است ایمن یا نایمن باشد و تنها دل‌بستگی نایمن است که زمینه را برای آسیب‌های روانی ایجاد می‌کند (کسیدی و فیلیپ،^۱ ۲۰۱۶). بالبی آشکارا معتقد بود که فرایند و نمودهای دل‌بستگی در چارچوب نظام‌های دیگر، مانند دل‌بستگی به کلیسا (مساجد) یا وطن ادامه می‌یابد (کریک پاتریک،^۲ ۱۹۹۹؛ به نقل از مهدی‌یار، ۱۳۹۴). دل‌بستگی به خداوند از نظر دینی پایه‌های محکمی دارد که آن را از آیات و احادیث، داستان‌های قرآنی و دعاهای مؤمنان می‌توان دریافت. رابطه دل‌بستگی به خداوند (جوارجویی، پایگاه امن معنوی، پشت گرم بودن به پناهگاه مطمئن الهی) بارها در متون اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. خداوند به‌عنوان اجابت‌کننده دعا، پاسخ‌دهنده به نیاز انسان و کمک‌کننده در شرایط سخت و بحرانی دانسته می‌شود و این عملکرد دل‌بستگی ایمن است که با سلامت روانی و معنوی ارتباط تنگاتنگی دارد (غباری بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰).

پژوهشگران می‌کوشند برای جوامع مذهبی حالتی به وجود آورند تا افراد با تعالیمی مانند عفت و پاکدامنی به ترویج عملکرد مثبت روانی-اجتماعی نائل آیند و ساختارهایی ایجاد کنند که از راه آن بتوان ضمن ایجاد انگیزه در افراد، آنها را قادر سازند تا همواره با این مفاهیم زندگی کنند (هاردی و ویلگی،^۳ ۲۰۱۷). در شرایطی که وفور شبکه‌های اجتماعی به شکل‌گیری ارتباط‌های پنهانی و آسان‌تر با افراد خارج از چهارچوب زندگی مشترک می‌شود و زمینه را برای خیانت و طلاق فراهم می‌کند (کرمی و همکاران، ۱۳۹۴)، عفت و حیا آثاری دارد که بیشتر خود را در سلامت زندگی زناشویی نشان می‌دهد؛ مهم‌ترین این آثار عبارتند از: وفای به همسر، احساس نیاز به همسر، محبت و دوری از زشتی و پلیدی (حسین‌زاده، ۱۳۸۹) و نیز در صورت رعایت نشدن این مؤلفه‌ها، آسیب به بنیان و سلامت خانواده، طلاق در جامعه، از بین بردن آرامش فردی و ناامنی روانی را موجب می‌شود (خیری، ۱۳۹۴).

یافته‌ها گویای آن است که خودشفقت‌ورزی سبب ایجاد یکپارچگی و انسجام بین زوجین و ایجاد امیدواری و کاهش ناامیدی در میان افراد متأهل می‌شود (کیان‌پور بارجویی و ساعی‌نیا، ۲۰۱۶)؛ همچنین خرده‌مقیاس‌های مهربانی با خود، اشتراکات انسانی و ذهن‌آگاهی، پیش‌بین‌های معنادار و مهم رضایت زناشویی هستند (قزلسفلو و همکاران، ۱۳۹۵) و نیز موجب می‌شود زوجین هنگام شکست و ناتوانی، صمیمیت بیشتر و خودتطیمی مثبتی نشان دهند و نسبت به هم نگرش‌های صمیمانه‌تری پیدا کنند (دشت بزرگی و همکاران، ۱۳۹۶). با وجود این، برخی

1. Cassidy & Phillip

2. Kirkpatrick

3. Hardy & Willoughby

پژوهش‌ها نشان داده است که تنها متغیر ذهن‌آگاهی به‌طور مثبت پیش‌بین شادمانی زناشویی است، ولی متغیرهای انزوا، اشتراکات انسانی، قضاوت کردن خود، همانندسازی افراطی و مهربانی با خود، توان پیش‌بینی شادمانی زناشویی را ندارد (فزلسفلو و همکاران، ۱۳۹۵؛ شفیع‌ی و جزایری، ۱۳۹۶). مصطفویان (۱۳۹۴)، در پژوهش خود دریافت که بین شفقت خود و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود ندارد؛ از آنجا که افراد خودشفقت‌ورز برای رفع اشتباهات خود کمتر اقدام می‌کنند، این امر می‌تواند عاملی برای ایجاد تعارض بین آنها باشد. همچنین بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک دل‌بستگی ایمن در زوجین عادی بالاتر از زوجین متقاضی طلاق است (طاهری، ۱۳۹۷؛ آجلی لاهیجی و بشارت، ۱۳۹۶؛ حسینی، ۱۳۹۵؛ وزیری تبار و عارف نظری، ۱۳۹۴) و برادشاو و کنت^۱ (۲۰۱۸) به این نتیجه رسیدند که دل‌بستگی ایمن به خداوند با بهبود در خوش‌بینی همراه است، ولی با عزت‌نفس و رضایت از زندگی مرتبط نیست. دل‌بستگی را سازه‌ای است که در تمام دوران زندگی وجود دارد و بر روابط افراد تأثیر می‌گذارد (کسیدی و فیلیپ، ۲۰۱۶)، بنابراین بررسی آن در روابط زوجین امری ضروری به نظر می‌رسد. همچنین پترسون^۲ و سلیگمن (۲۰۰۴)، به بررسی و طبقه‌بندی فضیلت‌ها در دنیا پرداختند؛ اینکه چه عواملی سبب می‌شود زندگی افراد ارزشمند شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشتر آنها در رضایت‌مندی از زندگی تأثیر معناداری دارند (پترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴)، اما به نظر می‌رسد در بین آنها جای یک فضیلت مهم خالی است و آن حیای از افعال نادرست جنسی می‌باشد. امروزه عفاف یا محدودیت جنسی یکی از عناصر قوی برای درک و فهم فضیلت‌ها به شمار می‌رود، چون انسان را در بهزیستی روان‌شناختی فردی و ارتباطی به حد اعلا می‌رساند (لاباش، ۲۰۱۴^۳). رضایت جنسی تنها با رابطه زناشویی با همسر ارتباط مثبت دارد (هاردی و ویلوگی، ۲۰۱۷) و از آنجا که افراد در انتخاب همسر به وفاداری جنسی بیشتر اهمیت می‌دهند تا ویژگی‌های دیگری چون جذابیت فیزیکی و تمکن مالی و تشابه عاطفی (موگلزکی، وید و ولینگ، ۲۰۱۴^۴)، بنابراین پرداختن به این مؤلفه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با وجود اینکه پژوهش‌های فراوانی در مورد طلاق و علل آن انجام شده، اما پژوهش‌های بسیار کمی در رابطه با حیای جنسی، خودشفقت‌ورزی و سبک‌های دل‌بستگی به خدا در میان زوجین انجام شده است. با توجه به کمبود یافته‌ها در این باره، هدف پژوهش حاضر مقایسه حیای جنسی، خودشفقت‌ورزی و سبک‌های دل‌بستگی به خداوند در زوجین متقاضی طلاق و عادی شهر گرگان است.

1. Bradshaw & Kent

2. Peterson

3. Labash

4. Mogilski, Wade & Welling

روش پژوهش

با توجه به هدف و موضوع، روش پژوهش توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای یا پس‌رویدادی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زوجین متقاضی طلاق شهر گرگان که از آذر ماه تا اسفند ۱۳۹۷ جهت درخواست طلاق به دادگستری شهر گرگان مراجعه کرده بودند و طبق آمار گزارش شده از سوی مراکز مشاوره دادگستری (همراهان و بهشت خانواده) تعداد بین ۱۴۰ تا ۲۰۰ زوج است. براساس جدول کرجسی و مورگان^۱ نمونه آماری شامل ۱۰۳ زوج متقاضی طلاق می‌باشد. انتخاب حجم نمونه از زوجین متقاضی طلاق به شیوه نمونه‌گیری در دسترس است که دارای ملاک‌های ورود (شیعه بودن، سکونت در شهر گرگان و محدوده سنی ۲۰ تا ۶۰ سال) به تحقیق هستند. به علت شرایط بحرانی و پرتنش زوجین مراجعه‌کننده به دادگستری و به منظور اطمینان و صحت بیشتر، تمامی متقاضیان داوطلب مورد مطالعه قرار گرفتند. در بازه زمانی چهار ماهه در مجموع ۱۸۰ نفر از زوجین متقاضی طلاق اعم از زن و مرد پرسشنامه تکمیل کردند؛ به همین ترتیب در همین بازه زمانی ۱۸۰ نفر از زوجین عادی همگن (به لحاظ سن، وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سطح تحصیلات و سکونت در شهر گرگان) نیز پرسشنامه پژوهش را تکمیل نمودند، ولی پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص و افراد ناهمگن، در مجموع ۱۲۰ زوج متقاضی طلاق (۶۰ مرد و ۶۰ زن) و نیز ۱۲۰ زوج همگن با گروه اول (۶۰ مرد و ۶۰ زن) باقی ماندند.

ابزار سنجش

پرسشنامه حیای جنسی-فرم خلاصه شده: این پرسشنامه را گلزاری (۱۳۷۹)، برای نخستین بار ساخته است که برای ارزیابی حیای جنسی در فرهنگ اسلامی از آن استفاده می‌شود. از این آزمون می‌توان برای سنجش افراد ۱۷ سال به بالا استفاده کرد. حیای جنسی به مفهوم اصلی و متداول آن در حوزه خویش‌داری جنسی قرار می‌گیرد که پس از تحلیل عوامل و حذف ماده‌های ضعیف به این شرح است: حیای از برهنگی و خویش‌داری جنسی، ۳۶ ماده برای زنان و ۲۸ ماده برای مردان، ضریب آلفا (۰/۹۲۰) و روایی پرسشنامه در پژوهش گلزاری (۱۳۷۹) مطلوب گزارش شده است. ماده‌ها در یک مقیاس لیکرت پنج رتبه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، تا اندازه‌ای، کم و اصلاً) می‌باشد. نمره بالاتر، حیای جنسی بیشتر را نشان می‌دهد. شیوه نمره‌گذاری در سؤالات ۲، ۶ و ۷، ۹ و ۱۰، ۱۷ و ۱۸ و ۱۹، ۲۱ و ۲۲، ۲۷، ۲۹ و ۳۰، ۳۲ و ۳۳، ۳۵ و ۳۶ به صورت معکوس است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ حیای جنسی زنان ۰/۸۳۵ و مردان ۰/۷۷۴ به دست آمد.

1. Kerjcie & Morga

پرسشنامه خودشفقت‌ورزی-فرم کوتاه (ریس و همکاران، ۲۰۱۱): مقیاس ۱۲ ماده‌ای خودشفقت‌ورزی فرم کوتاه به‌وسیله ریس، پامیر، نف و ون‌گاجت^۱ در سال ۲۰۱۱ ساخته شد. ماده‌ها در یک مقیاس لیکرت پنج رتبه‌ای، از تقریباً هرگز -۱ تا تقریباً همیشه -۵ تنظیم شده است که نمره بالاتر، سطح بالاتر خودشفقت‌ورزی را نشان می‌دهد. ضمناً خرده‌مقیاس‌های قضاوت کردن خود، انزوا و همانندسازی افراطی به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۴). روایی و پایایی این پرسشنامه در پژوهش شهبازی و همکاران (۱۳۹۴) ضریب آلفای نمره کلی مقیاس ۰/۹۱ است. روایی همزمان و همگرا پرسشنامه نیز مطلوب گزارش شده است. ریس و همکاران (۲۰۱۱) در فرم کوتاه و خرده‌مقیاس‌ها از ۰/۵۵ تا ۰/۸۱ گزارش داده‌اند. راگیو-بوگدان، اریکسون، جکسون، مارتین و براین^۲ (۲۰۱۱) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و وی، لیانو، کا و شافر^۳ (۲۰۱۱) در دو مطالعه ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۵۸ در دانشجویان و ۰/۸۸ در جامعه بزرگسالان گزارش کرده‌اند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۵۳۳ به دست آمد.

سبک‌های دلبستگی به خداوند-فرم خلاصه شده M-SAS: غباری بناب (۱۳۹۰) پرسشنامه سبک‌های دلبستگی به خداوند را ساخته است. این پرسشنامه مشتمل بر ۱۶ پرسش و براساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم، کمی مخالفم، نظری ندارم، کمی موافقم، کاملاً موافقم) است. هدف آن بررسی ابعاد دلبستگی به خداوند (جوارجویی، پناهگاه امن، پایگاه امن، اعتراض به جدایی و نگرانی از جدایی از دلبستگی)، ادراک مثبت از خود و ادراک مثبت از خداوند است. در پژوهش غباری بناب و همکاران (۱۳۹۰) روایی درونی سازه را با استفاده از تحلیل عاملی و رواسازی بیرونی مقیاس مورد آزمایش گرفت و نتایج نشان داد که نمره‌های پرسشنامه دارای همبستگی منفی و بالا با نمرات استرس، اضطراب و افسردگی بوده است؛ همچنین پایایی پرسشنامه یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد. در جوارجویی آلفای کرونباخ به دست آمده ۰/۹۰، پناهگاه امن آلفای کرونباخ ۰/۹۳، در پایگاه امن آلفای کرونباخ ۰/۸۸، در اعتراض به جدایی آلفای کرونباخ ۰/۸۶، در ادراک مثبت از خود آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و در ادراک مثبت از خداوند آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش شده است. در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ ۰/۷۳۸ به دست آمده است.

1. Raes, Pommier, Neff & Van Gucht

2. Raque-Bogdan, Ericson, Jackson, Martin & Bryan

3. Wei, Liao, Ku & Shaffer

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نخست نرمال بودن داده‌ها را با استفاده از آزمون کلمگروف-اسمیرنوف (K-S) بررسی گردید و سپس به منظور اطمینان بیشتر از نرمال بودن آنها از آزمون ماهال (MAHAL) استفاده شد. از آنجا که توزیع داده‌ها نرمال بوده است و در روان‌شناسی مقیاس نیز فاصله‌ای فرض می‌شود، از تحلیل واریانس دوراهه (مانوا) استفاده شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش، آزمودنی‌های مورد مطالعه ۵۰ درصد مرد و ۵۰ درصد زن بودند که در هر گروه مورد مطالعه از زنان و مردان نیمی از آزمودنی‌ها متقاضی طلاق و نیمی عادی قرار داشتند. از نظر سنی، ۱۰ درصد از آزمودنی‌های مورد مطالعه در گروه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال، ۱۹/۵۷ درصد در گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال، ۳۱/۶۶ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال، ۲۱/۲۴ درصد در گروه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال، ۱۰/۴۱ درصد در گروه سنی ۴۱ تا ۴۵ سال، ۴/۱۶ درصد در گروه سنی ۴۶ تا ۵۰ سال، ۱/۶۶ درصد در گروه سنی ۵۱ تا ۵۵ سال و ۱/۲۴ درصد در گروه سنی ۵۶ تا ۶۰ سال قرار داشتند. از نظر تحصیلات، ۸/۳۳ درصد از آزمودنی‌های مورد مطالعه دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۶/۶۶ درصد دارای تحصیلات سیکل، ۴۱/۲۴ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۹/۵۸ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۱۵/۴۱ درصد دارای تحصیلات کارشناسی، ۶/۶۶ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۲/۰۸ درصد دارای تحصیلات دکترا بودند؛ همچنین ۲۳/۷۴ درصد از آزمودنی‌های مورد مطالعه دارای شغل دولتی، ۳۹/۹۹ درصد دارای شغل آزاد، ۱/۲۵ درصد بیکار، ۲/۰۸ درصد دانشجو و ۳۲/۹۱ درصد خانه‌دار بودند و در نهایت ۲۰/۴۱ درصد از آزمودنی‌های مورد مطالعه ۱ تا ۵ سال، ۲۶/۶۶ درصد ۶ تا ۱۰ سال، ۳۰/۴۱ درصد ۱۱ تا ۱۵ سال، ۱۱/۲۴ درصد ۱۶ تا ۲۰ سال، ۷/۰۸ درصد ۲۱ تا ۲۵ سال و ۴/۱۶ درصد ۲۶ تا ۳۰ سال از مدت ازدواجشان گذشته بوده است.

جدول ۱. نتایج تحلیل واریانس برای متغیر حیای جنسی زوجین عادی و زوجین متقاضی طلاق

مؤلفه	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروهی	۴۰۴۸/۴۰۸	۱	۴۰۴۸/۴۰۸	۲۰/۶۳۶	۰/۰۰۰
خطا	۲۳۱۴۸/۹۱۷	۱۱۸	۱۹۶/۱۷۷		
کل	۲۷۱۹۷/۳۲۵	۱۱۹			

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، تفاوت میانگین‌ها بین گروه‌ها در متغیر حیای جنسی معنادار شد ($p < 0/01$)؛ بنابراین می‌توان بیان کرد که بین حیای جنسی زوجین عادی و زوجین متقاضی طلاق تفاوت معناداری وجود دارد و با توجه به میانگین‌ها می‌توان گفت زوجین عادی از حیای جنسی بالاتری نسبت به زوجین متقاضی طلاق برخوردارند.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس دو راهه برای متغیر خودشفقت‌ورزی زوجین عادی و زوجین متقاضی طلاق

p	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات		
۰/۰۹۳	۲/۸۳۸	۱۱/۲۶۷	۱	۱۱/۲۶۷	گروه (متقاضی طلاق و عادی)	هماندسازی افراطی
۰/۰۰۰	۱۲/۷۰۰	۵۰/۴۱۷	۱	۵۰/۴۱۷	جنسیت	
۰/۱۳۷	۲/۲۲۱	۸/۸۱۷	۱	۸/۸۱۷	جنسیت* گروه	
		۳/۹۷۰	۲۳۶	۹۳۶/۹۰۰	خطا	
			۲۳۹	۱۰۰۷/۴۰۰	مجموع	
۰/۱۹۱	۱/۷۲۱	۵/۷۰۴	۱	۵/۷۰۴	گروه (متقاضی طلاق و عادی)	مهربانی خود
۰/۰۹۷	۲/۷۷۶	۹/۲۰۴	۱	۹/۲۰۴	جنسیت	
۰/۲۲	۲/۳۷۳	۱۲/۶۰۴	۱	۱۲/۶۰۴	جنسیت* گروه	
		۳/۳۱۵	۲۳۶	۷۸۲/۳۸۳	خطا	
			۲۳۹	۸۰۹/۸۹۶	مجموع	
۰/۸۱۶	۰/۰۵۴	۰/۲۰۴	۱	۰/۲۰۴	گروه (متقاضی طلاق و عادی)	ذهن آگاهی
۰/۰۰۳	۸/۷۷۰	۳۳/۰۰۴	۱	۳۳/۰۰۴	جنسیت	
۰/۹۷۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۱	۰/۰۰۴	جنسیت* گروه	
		۳/۷۶۳	۲۳۶	۸۸۸/۱۸۳	خطا	
			۲۳۹	۹۲۱/۳۹۶	مجموع	
۰/۷۴۶	۰/۴۴۱	۲/۱۶۶	۱	۲/۱۶۶	گروه (متقاضی طلاق و عادی)	انزوا
۰/۰۰۴	۸/۵۰۰	۴۱/۶۶۷	۱	۴۱/۶۶۷	جنسیت	
۰/۸۱۶	۰/۰۵۴	۰/۲۶۷	۱	۰/۲۶۷	جنسیت* گروه	
		۴/۹۰۲	۲۳۶	۱۱۵۶/۸۰۰	خطا	
			۲۳۹	۱۲۰۰/۸۹۹	مجموع	
۰/۵۱۶	۰/۹۵۰	۳/۱۰۲	۱	۳/۱۰۲	گروه (متقاضی طلاق و عادی)	تجارب مشترک انسانی
۰/۱۳۵	۲/۲۵۳	۷/۳۵۰	۱	۷/۳۵۰	جنسیت	
۰/۲۸۵	۱/۱۵۰	۳/۷۵۰	۱	۳/۷۵۰	جنسیت* گروه	
		۳/۲۶۲	۲۳۶	۷۸۴/۸۳۳	خطا	
			۲۳۹	۷۹۹/۰۳۵	مجموع	
۰/۲۰۴	۱/۶۲۲	۷/۰۰۴	۱	۷/۰۰۴	گروه (متقاضی طلاق و عادی)	قضاوت کردن خود
۰/۷۳۳	۰/۱۱۷	۰/۵۰۴	۱	۰/۵۰۴	جنسیت	
۰/۶۴۲	۰/۲۱۷	۰/۹۳۸	۱	۰/۹۳۸	جنسیت* گروه	
		۴/۳۱۷	۲۳۶	۱۰۱۸/۸۵۰	خطا	
			۲۳۹	۱۰۲۷/۲۹۶	مجموع	

p	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات		خودشفقت‌ورزی کل
۰/۶۱۱	۰/۳۶۲	۱۵/۱۰۶	۱	۱۵/۱۰۶	گروه (متقاضی طلاق و عادی)	
۰/۰۰۴	۸/۲۳۴	۳۴۳/۲۰۴	۱	۳۴۳/۲۰۴	جنسیت	
۰/۲۳۵	۱/۴۱۶	۵۹/۰۰۴	۱	۵۹/۰۰۴	جنسیت* گروه	
		۴۱/۶۷۹	۲۳۶	۹۸۳۶/۲۵۰	خطا	
			۲۳۹	۱۰۲۵۰/۵۶۴	مجموع	

نتایج جدول ۲ نشان داد که اثر گروه معنادار نیست؛ بدین معنا که بین خودشفقت‌ورزی و زیرمقیاس‌های آن بین زوجین عادی و متقاضی طلاق تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس دو راهه برای متغیر سبک‌های دلبستگی به خداوند زوجین عادی و زوجین متقاضی طلاق

p	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات		جوارجویی
۰/۵۰۷	۰/۴۴۱	۱/۲۰۴	۱	۱/۲۰۴	گروه (متقاضی طلاق و عادی)	
۰/۰۰۹	۶/۸۴۸	۱۸/۷۰۴	۱	۱۸/۷۰۴	جنسیت	
۰/۰۵۷	۳/۶۶۳	۱۰/۰۰۴	۱	۱۰/۰۰۴	جنسیت* گروه	
		۲/۷۳۱	۲۳۶	۶۴۴/۵۵۰	خطا	
			۲۳۹	۶۷۴/۴۶۲	مجموع	
۰/۰۰۰	۴/۹۰۲	۱۷/۷۰۴	۱	۱۷/۷۰۴	گروه (متقاضی طلاق و عادی)	پناهگاه امن
۰/۰۰۲	۹/۵۵۴	۳۴/۵۰۴	۱	۳۴/۵۰۴	جنسیت	
۰/۳۲۶	۰/۹۷۰	۳/۵۰۴	۱	۳/۵۰۴	جنسیت* گروه	
		۳/۶۱۱	۲۳۶	۸۵۲/۲۸۳	خطا	
			۲۳۹	۹۰۷/۹۹۶	مجموع	
۰/۰۴۲	۲/۸۳۰	۱۲/۶۶۷	۱	۱۲/۶۶۷	گروه (متقاضی طلاق و عادی)	پایگاه امن
۰/۱۴۴	۲/۱۴۵	۹/۶۰۰	۱	۹/۶۰۰	جنسیت	
۰/۱۳۵	۲/۱۵۲	۹/۲۶۷	۱	۹/۲۶۷	جنسیت* گروه	
		۴/۴۷۵	۲۳۶	۱۰۵۶/۲۰۰	خطا	
				۱۰۸۷/۷۲۳	مجموع	
۰/۶۰۳	۰/۲۷۲	۰/۶۰۰	۱	۰/۶۰۰	گروه (متقاضی طلاق و عادی)	اعتراض به جدایی
۰/۱۶۶	۱/۹۳۱	۴/۲۶۷	۱	۴/۲۶۷	جنسیت	
۰/۷۲۹	۰/۱۲۱	۰/۲۶۷	۱	۰/۲۶۷	جنسیت* گروه	
		۲/۲۱۰	۲۳۶	۵۲۱/۴۶۷	خطا	
				۵۲۶/۶۰۰	مجموع	
۰/۴۱	۰/۶۸۱	۴/۳۲۰	۱	۴/۳۲۰	گروه (متقاضی طلاق و عادی)	ادراک مثبت از خود
۰/۰۲۲	۵/۳۴۳	۳۳/۹۰۰	۱	۳۳/۹۰۰	جنسیت	
۰/۴۶۶	۲/۴۳۹	۱۵/۴۸۰	۱	۱۵/۴۸۰	جنسیت* گروه	
		۶/۳۴۵	۲۳۶	۱۴۹۷/۳۱۹	خطا	
			۲۳۹	۱۵۵۱/۰۲۰	مجموع	

p	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات		
۰/۰۰۱	۵/۲۲	۱۰/۶۰۴	۱	۱۰/۶۰۴	گروه (متقاضی طلاق و عادی)	ادراک مثبت از خداوند
۰/۰۷۹	۳/۱۲۰	۶/۳۳۸	۱	۶/۳۳۸	جنسیت	
۰/۱۳۶	۲/۲۳۴	۴/۵۳۸	۱	۴/۵۳۸	جنسیت* گروه	
		۲/۰۳۱	۲۳۶	۴۷۹/۴۱۷	خطا	
			۲۳۹	۵۰۲/۸۹۶	مجموع	
۰/۰۳۷	۲/۰۲۹	۱۱۱/۷۳۶	۱	۱۱۱/۷۳۶	گروه (متقاضی طلاق و عادی)	سبک‌های دلبستگی به خداوندکل
۰/۲۲۲	۱/۵۰۱	۸۲/۶۰۳	۱	۸۲/۶۰۳	جنسیت	
۰/۲۰۵	۱/۵۲۵	۸۳/۹۵۳	۱	۸۳/۹۵۳	جنسیت* گروه	
		۵۵/۰۴۴	۲۳۶	۱۲۹۹۰/۳۵۶	خطا	
			۲۳۹	۱۳۲۶۸/۶۴۸	مجموع	

نتایج جدول ۳ نشان داد که اثر گروه در متغیر سبک‌های دلبستگی به خداوند ($p < ۰/۰۵$)، $F = ۲/۰۲۹$ و زیرمقیاس‌های پناهگاه امن ($p < ۰/۰۱$)، $F = ۴/۹۰۲$ ، پایگاه امن ($p < ۰/۰۵$)، $F = ۲/۸۳۰$ و ادراک مثبت از خداوند ($p < ۰/۰۱$)، $F = ۵/۲۲$ معنادار است؛ بدین معنا که بین سبک‌های دلبستگی به خداوند و زیرمقیاس‌های آن بین زوجین عادی و متقاضی طلاق تفاوت معناداری وجود دارد و با توجه به میانگین‌ها می‌توان گفت زوجین عادی از پناهگاه امن، پایگاه امن، ادراک مثبت از خداوند و دلبستگی به خداوند بیشتری نسبت به زوجین متقاضی طلاق برخوردارند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها در این پژوهش نشان داد که بین حیای جنسی زوجین متقاضی طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد و میزان حیای جنسی زوجین متقاضی طلاق کمتر از زوجین عادی است. این نتیجه با پژوهش خیری (۱۳۹۴) همسو است. هر چند تحقیقی که در حوزه روان‌شناسی با این موضوع همخوان یا مشابه باشد، چندان یافت نشد؛ اما در مورد مؤلفه‌هایی که مترادف حیای جنسی هستند، پژوهش‌هایی انجام شده است. تحقیقات نشان داده است عفت و حیا آثاری دارد که بیشتر در سلامت زندگی زناشویی خود را نشان می‌دهد. مهم‌ترین این آثار عبارت از وفاداری به همسر، احساس نیاز به او، دوری از زشتی و پلیدی و پیدایش زندگی حقیقی است (حسین‌زاده، ۱۳۸۹). اگر زن و مرد در نوع پوشش خود از لباس‌های تنگ، نازک، بدن‌نما و مهیج بپرهیزند و در گفتار خود از شوخی با نامحرم دوری گزیده، رفتار همراه با تبرج و اختلاط با یکدیگر را کنار بگذارند؛ مفاسد جنسی و آسیب‌های اجتماعی از بین خواهد رفت (جوکار، ۱۳۹۲). طلاق یکی از همین آسیب‌هاست و موارد بالا نیز از مظاهر حیای جنسی می‌باشند؛ یعنی حیای در پوشش،

گفتار و رفتار. هر چند طلاق و انحلال خانواده تنها یک رخداد تک‌متغیری نیست و می‌تواند از عوامل اقتصادی مانند بیکاری و از عوامل درهم تنیده و مسائل روان‌شناختی زیادی همچون میزان رضایت جنسی و الگوهای ارتباطی (رضاییان و همکاران، ۱۳۹۶)، باورها و انتظارات غیرمنطقی و طرحواره‌های ناسازگار (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴)، صمیمیت کم و روابط سرد و عاری از محبت (زاهد بابلان و همکاران، ۱۳۹۵)، نشئت گیرد، اما حیای جنسی مؤلفه پیچیده و قدرتمندی است که در ذیل آن فضایل بسیاری وجود دارد که فضایی مانند عفت، خویش‌داری، خودمهارگری، خودتنظیمی و صبر برخی از آنها هستند.

حاکم نبودن فرهنگ عفاف، بی‌مبالاتی، نبود آموزش خودمهارگری و ضعف کنترل و نظارت خانواده‌ها از علل اصلی مسائل و مشکلات جنسی است که در نهایت سبب طلاق می‌شود؛ همچنین یکی از مشکلات زناشویی که بسیار مورد غفلت قرار می‌گیرد، همین نبود توانایی بازدارندگی، خودمهارگری، ضعف در عفت‌ورزی و نداشتن حیای جنسی است. هرگاه فرد به انواع انحرافات جنسی، از هرزه‌نگاری و چشم‌چرانی گرفته تا فاحشه‌گری مبتلا می‌شود، دیگر نمی‌تواند به خواسته‌ها و نیازهای همسرش توجه لازم را داشته باشد و از او لذت ببرد (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۸۸). پژوهش‌ها در مورد خویش‌داری جنسی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از حیای جنسی نشان داده است که آموزش آن سبب افزایش رضایت از زندگی می‌شود (همتی، ۱۳۹۳) و افراد در انتخاب همسر به وفاداری جنسی بیشتر اهمیت می‌دهند تا ویژگی‌های دیگری چون جذابیت فیزیکی و تمکن مالی و تشابه عاطفی (موگلزکی و همکاران ۲۰۱۴). پژوهش میر (۲۰۰۳) نشان داد که داشتن نخستین رابطه جنسی پیش از ازدواج به‌طور معناداری نگرش‌های بعدی در مورد فعالیت جنسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ همچنین روابط ناسالم پیش از ازدواج منشأ بروز اختلافات خانوادگی است و چون این روابط موجب مقایسه همسر به لحاظ ظاهری و اخلاقی می‌شود، محیط خانواده را به دلسردی می‌کشاند (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶).

در معارف اسلامی معنویت زمینه‌ساز اطمینان قلبی و آرامش روانی است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَرُدُّوْا إِيَّانَا مَعَ إِيْمَانِهِمْ» (فتح، ۴)؛ خداست که به دل‌های مؤمنان آرامش و اطمینان می‌دهد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند. همچنین به نظر جان مارشال ریو زمانی که حالت‌های روانی نیازهای فیزیولوژیکی را تنظیم می‌کند، کنترل شخصی روی می‌دهد؛ اما هرگاه امیال زیستی بر کنترل روانی غلبه می‌کند، کنترل شخصی نمی‌تواند روی دهد (بامسر، هیترتون و تاپس، ۱۹۹۴)؛ به نقل از عابدینی، ۱۳۸۸). فرد مؤمن با هماهنگی درونی و تسلط بر نفس خود، قدرت و توان کنترل خود را با دنیای پیرامون خود می‌یابد و خود را از دام شهوات نفسانی و لذت‌های زودگذر دنیایی می‌رهاند و

خوشبختی را در تعهد، شرافت و برقراری روابط سالم و انسانی می‌داند. چنین فردی از زندگی زناشویی رضایت دارد (امان الهی و همکاران، ۱۳۹۶). پس از آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ الْحَيَاةَ وَالْإِيمَانَ قَرْنَا جَمِيعًا فَإِذَا رَفَعَ أَحَدُهُمَا رَفَعَ الْآخَرَ؛ حیا و ایمان قرین یکدیگرند، هرگاه یکی از بین برود، دیگری همراه آن می‌رود»، می‌توان دریافت که مؤمنان دارای حیا هستند و این عامل سبب رضایت از زندگی و احتمالاً موجب کاهش طلاق می‌شود.

در روان‌شناسی و متون دینی اسلام، حیا و شرم بنیادی‌تر از بسیاری رفتارهای دیگر است (اسدیان و همکاران، ۱۳۹۴). از سویی طبق نظریه مزلو، افراد خودشکوفای، اوج لذت جنسی را وسیله دستیابی به وحدت، پیوند و عشق کامل واقعی می‌دانند (همتی، ۱۳۹۳)؛ بنابراین شکوفایی فرهنگ حیای جنسی و استفاده درست و بجا از آن، نه تنها کانون خانواده را به سعادت‌مندی و مهرورزی همراه با عواطف شایسته انسانی می‌رساند، بلکه زمینه شکوفایی یک جامعه سالم و پویا را مهیا می‌کند (حر، ۱۳۸۸). چنانچه این غریزه به کلی سرکوب و یا در ارضا دچار انحراف، مشکل یا اختلال شود، فرد از حالت تعادل و تکامل درمی‌آید، بهداشت روانی‌اش به خطر می‌افتد و موجب مشکلات در زندگی مانند بیماری‌های روحی، روانی و جسمی، اختلافات زناشویی و ناهنجاری‌های دیگر می‌شود (اسلامیان، ۱۳۹۵). از نظر الیس، آسان‌ترین راه این است که از روبه‌رو شدن با مشکلات زندگی اجتناب کنیم و از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنیم، ولی برای رسیدن به لذاذذ طولانی چاره‌ای جز خویشتن‌داری نداریم (الیس و هارپر، ۱۳۸۱).

در این پژوهش، میان خودشفقت‌ورزی زوجین متقاضی طلاق و عادی تفاوت معنا‌داری مشاهده نشد. هرچند تحقیقی دقیقاً در این زمینه که در چند سال اخیر انجام شده باشد، یافت نشد تا مؤید این نتیجه باشد؛ اما این نتیجه با پژوهش شفیع و جزایری (۱۳۹۶) و مصطفویان (۱۳۹۴) همسو و با پژوهش‌های دشت بزرگی و همکاران (۱۳۹۶)، قزل‌سفلو و همکاران (۱۳۹۵)، کیانپور بارجویی و ساعی‌نیا (۲۰۱۶)، نف و کاستیگان (۲۰۱۴)، جاکوبسون و همکاران (۲۰۱۸)، بری‌هیل و همکاران (۲۰۱۸) و هومان (۲۰۱۶)، ناهمسو بود. یکی از علل این ناهمسویی شاید تفاوت پرسشنامه به کار رفته در این پژوهش باشد. در این تحقیق، فرم خلاصه شده خودشفقت‌ورزی (ریس، ۲۰۱۰) به کار رفت و چون در بیشتر تحقیقات از فرم بلند نف (۲۰۰۳) استفاده شده است، می‌تواند یکی از دلایل احتمالی این تفاوت باشد. یکی دیگر از این علل می‌تواند تفاوت‌های فرهنگی باشد، زیرا مقیاس خودشفقت‌ورزی یک مقیاس غیربومی است و از آنجا که این مقیاس ترجمه شده است، بعید نیست که افراد در فهم معنایی آن کمی دچار ابهام شوند و در مجموع پرسش‌های آن به سادگی سؤالات پرسشنامه‌های بومی نبوده است. پژوهش‌های

انجام گرفته نیز بیشتر بر روی دانشجویان یا گروه‌های تک‌جنسیتی بوده است، حال آنکه حجم نمونه در این بررسی زوجینی بودند که در آستانه طلاق بودند و این امر نیز می‌تواند مزید بر علت این نتیجه باشد. شفیعی و جزایری (۱۳۹۶) در بررسی نقش شفقت خود و شکفتگی به‌عنوان پیش‌بین‌های شادمانی زناشویی دریافتند که تنها متغیر ذهن‌آگاهی به‌طور مثبت پیش‌بین شادمانی زناشویی است، ولی متغیرهای انزوای اشتراکات انسانی، قضاوت خود، همانندسازی افراطی و مهربانی با خود توان پیش‌بینی شادمانی زناشویی را ندارد؛ همچنین مصطفویان (۱۳۹۴) در پژوهش خود دریافت که بین شفقت خود و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود ندارد. بیشتر افراد از خود شفقت‌ورزی شریکشان آگاهی چندانی ندارند و از سویی هم این شفقت به راحتی در رفتار قابل مشاهده نیست. از آنجا که افراد خود شفقت‌ورز برای رفع اشتباهات خود کمتر اقدام می‌کنند، این امر می‌تواند عاملی برای ایجاد تعارض بین آنها باشد.

این پژوهش نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی به خداوند میان زوجین متقاضی طلاق و عادی تفاوت معنادار وجود دارد و این تفاوت در زیرمقیاس‌های پناهگاه امن، پایگاه امن و ادراک مثبت از خداوند، میان زوجین متقاضی طلاق و عادی متفاوت است؛ بدین معنا که زوجین عادی از پناهگاه امن، پایگاه امن، ادراک مثبت از خداوند و در مجموع دلبستگی به خداوند بیشتری نسبت به زوجین متقاضی طلاق برخوردارند. از آنجا که مبنای نظری دلبستگی به خداوند با مبنای نظری دلبستگی انسانی مشابه است (غباری بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰)، می‌توان این نتایج را با پژوهش‌های طاهری (۱۳۹۷)، آجلی لاهیجی و بشارت (۱۳۹۶)، حسینی (۱۳۹۵)، وزیری تبار و عارف نظری (۱۳۹۴) همسو دانست. طاهری (۱۳۹۷) و حسینی (۱۳۹۵) در پژوهش خود دریافتند که بین سبک‌های دلبستگی زوجین متقاضی طلاق و عادی تفاوت معنادار وجود دارد، به این معنا که سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا در زوجین متقاضی طلاق بیش از زوجین عادی است؛ در واقع، میانگین سبک دلبستگی ایمن در زوجین عادی بالاتر از زوجین متقاضی طلاق است (وزیری تبار و عارف نظری، ۱۳۹۴). آجلی لاهیجی و بشارت (۱۳۹۶) و عرفانی و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود دریافتند که میان دلبستگی ایمن و کارکرد خانواده رابطه مثبت و میان دلبستگی ایمن و کیفیت زندگی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. کارکرد خانواده تلاش مشترکی برای حفظ تعادل خانواده است و به توانایی برای حل تعارضات، همبستگی میان اعضا و رعایت حد و مرز میان افراد مربوط است و همین امر می‌تواند دوام زندگی را تا حد زیادی حفظ کند؛ همچنین دلبستگی به خداوند ارتباط مثبت و معناداری با بهزیستی روان‌شناختی دارد. کسانی که نمرات بالاتری در دلبستگی به خداوند داشته‌اند، احتمالاً در وضعیت سلامت روان‌شناختی بهتری قرار دارند. آنها افرادی هستند که از زندگی خود رضایت دارند و در ارتباط با دیگران، به‌ویژه با خداوند احساس صمیمیت می‌کنند

(رفاهی و همکاران، ۲۰۱۵). یک رابطه دلبسته ایمن می‌تواند عملکرد و شایستگی را در روابط بین‌فردی تسهیل کند؛ از سوی دیگر داشتن دلبستگی نایمن نیز می‌تواند از راه راهبردهای غیرانطباقی به خلق منفی و بروز مشکلات بین فردی بینجامد (نجات و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۷۳-۱۰۰). همه ما در جستجوی کسب امنیت و راحتی در رابطه با همسرانمان هستیم و اگر فرد چنین امنیت و راحتی را به دست آورد، می‌تواند در مسیر امنی گام بردارد که از سوی همسر فراهم شده است و یقین کند که می‌تواند در فعالیت‌های دیگر نیز موفق شود. در واقع، مهم‌ترین ویژگی روابط دلبسته، احساس امنیت و تعلق است، به شکلی که فرد دیگر احساس تنهایی و ناراحتی نمی‌کند (باقری‌فرد، ۱۳۹۳). افرادی که از سبک دلبستگی ایمن برخوردارند، به راحتی توان برقراری روابط عاشقانه را دارند (وزیری‌تبار و عارف‌نظری، ۱۳۹۴) و همین امر می‌تواند دلیلی برای افزایش کیفیت و رضایت از زندگی و به احتمال زیاد دوام آن شود. از آنجا که بین سبک دلبستگی ایمن به خداوند با سازگاری اجتماعی ارتباط مستقیم مثبت و معناداری برقرار است (محمودی ریحانی و صفرزاده، ۱۳۹۶)، به نظر می‌رسد افراد با دلبستگی ایمن به خداوند چون سازگاری اجتماعی بهتری دارند، در زندگی زناشویی نیز سازگاری از خود نشان می‌دهند که این امر به دوام زندگی کمک خواهد کرد. بسیاری از مؤمنان خداوند را پناهگاه امن می‌دانند که در مواقع فشار روانی و تهدیدهای مختلف به او روی می‌آورند تا آرامش پیدا کنند و خداوند را پایگاه امن می‌دانند که به آنان جسارت و تهور رودرویی با مشکلات را فراهم می‌کند (بابلان، ۱۳۹۱؛ به نقل از باقری‌فرد، ۱۳۹۳). همچنین، از آنجا که دلبستگی اجتنابی و اضطرابی رابطه معکوس با پذیرش خود، رشد فردی، کیفیت روابط بین‌فردی، هدف از زندگی و تسلط بر محیط دارد (هومان، ۲۰۱۶)، می‌توان انتظار داشت که به احتمال زیاد ادامه یافتن این وضع به سردی زندگی و در نهایت جدایی ختم می‌شود.

از آنجا که این پژوهش در مقطعی کوتاه و در جامعه‌ای خاص (شهر گرگان)، زوجین را بررسی کرده و ابزار به کار رفته در این پژوهش نیز پرسشنامه بوده است، بنابراین باید تعمیم نتایج با احتیاط انجام گیرد؛ همچنین برای پژوهش‌های آتی در این زمینه استفاده از ابزارهای دیگر در کنار پرسشنامه‌ها (مانند مصاحبه) اعتبار سازه‌ای تحقیق را افزایش می‌دهد. این پژوهش نشان داد که حیای جنسی و سبک‌های دلبستگی به خداوند در زوجین عادی بالاتر است، بنابراین با توجه به افزایش میزان طلاق در جامعه پیشنهاد می‌شود به منظور پیشگیری از این آسیب و انتخاب درست همسر، در مشاوره‌های پیش از ازدواج حیای جنسی و سبک دلبستگی به خداوند ارزیابی شود؛ همچنین از نتایج این پژوهش می‌توان در نهادهای پیشگیری نیروی انتظامی، دادگستری، بهزیستی و مراکز مشاوره بهره برد.

منابع

۱. آجلی لاهیجی، لاله و محمدعلی بشارت (۱۳۹۶)، «پیش‌بینی کارکرد خانواده و کیفیت زندگی بر پایه شیوه‌های دلبستگی زوجین»، دوفصلنامه آسیب‌شناسی مشاوره و غنی‌سازی خانواده، س ۳، ش ۲، ص ۱۱۹-۱۳۸.
۲. ابن‌ماجه قزوینی، محمد بن یزید (۱۴۰۱ ق)، سنن ابن‌ماجه، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
۳. اسدیان، صدیقه؛ ثریا قطبی و محمدرضا شعیری (۱۳۹۴)، «طراحی مقدماتی مدل حیای جنسی مبتنی بر برداشت از آیات قرآن و مقایسه آن با روان‌شناسی شرم»، روان‌شناسی بالینی و شخصیت، س ۲۲، دوره جدید، ش ۱۲، ص ۱۴۵-۱۵۸.
۴. اسلامیان، زهرا (۱۳۹۵)، «شناسایی و اولویت‌بندی پیام‌های مرتبط با خویش‌داری جنسی دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه به منظور تدوین محتوای مناسب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۵. الیس، آلبرت و رابرت هارپر (۱۳۸۱)، زندگی عاقلانه، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رشد.
۶. امامی، اسدالله و سیدحسین صفایی (۱۳۹۴)، حقوق خانواده، ج ۱، چ ۱۳، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۷. امان الهی، عباس؛ مریم حیدریان و یوسفعلی عطاری (۱۳۹۶)، «بررسی مدل پیشنهادی رابطه دلبستگی به خدا و رضایت زناشویی با میانجی‌گری معنویت زناشویی و بهزیستی معنوی در کارکنان زن اداره‌های دولتی اهواز»، روان‌شناسی و دین، س ۱۰، ش ۱، پی‌اپی ۳۷، ص ۱۰۵-۱۲۲.
۸. باقری‌فرد، فاطمه (۱۳۹۳)، «بررسی نقش واسطه‌ای دلبستگی به خدا در رابطه بین دلبستگی به همسر با همدلی نسبت به همسر در کارکنان متأهل شاغل بانک‌های شهر اهواز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه مشاوره.
۹. برک، ال. (۱۳۹۴)، روان‌شناسی رشد (از لقاح تا کودکی)، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ج ۱، تهران: نشر ارسباران.
۱۰. پسندیده، عباس (۱۳۸۵)، پژوهشی در فرهنگ حیای جنسی، چ ۵، قم: انتشارات دارالحدیث.
۱۱. جوکار، محبوبه (۱۳۹۲)، «الگوی تقویت حیای جنسی در سبک زندگی اسلامی»، معرفت، س ۲۲، ش ۱۸۶، ص ۷۱-۸۵.

۱۲. حاجی حسینی شاهرودی، حسن (۱۳۸۰)، «بررسی جامعه‌شناختی پدیده طلاق»، مجله معرفت، ش ۴۵، ص ۸۵-۹۴.
۱۳. حر، سیدحسین (۱۳۸۸)، «قرآن کریم و فرهنگ تکمیل مکرمت‌ها و فضایل در نهاد خانواده: حیای جنسی در احیای جنسی، نهاد خانواده و جامعه از منظر قرآن و حدیث»، کوثر، ش ۳۳، ص ۳۳-۴۶.
۱۴. حسین‌زاده، علی (۱۳۸۹)، «نقش عفت و حیای جنسی در رضایتمندی زن و شوهر»، معرفت اخلاقی، س ۱، ش ۲، ص ۱۱۷-۱۳۴.
۱۵. حسینی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۵)، «مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی در زوجین متقاضی طلاق و عادی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۱۶. خادم پیر، علی (۱۳۹۴)، «خاستگاه، عوامل و آثار شرم و حیا در قرآن و حدیث»، بصیرت و تربیت اسلامی، س ۱۲، ش ۳۲، ص ۱۲۷-۱۵۳.
۱۷. خیری، رضا (۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی عدم رعایت حیای جنسی و عفت در روابط زن و مرد در جامعه از دیدگاه آیات و روایات»، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، مؤسسه آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی، دانشکده اصول دین.
۱۸. دشت بزرگی، زهرا؛ مهرانا عسگری و پرویز عسگری (۱۳۹۶)، «اثربخشی آموزش شفقت خود بر میل به طلاق و نگرش‌های صمیمانه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره خانواده»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، س ۱۸، ش ۱، پیاپی ۶۷، ص ۳۸-۴۵.
۱۹. رضاییان، حمید؛ سمیرا معصومی و سیمین حسینیان (۱۳۹۶)، «بررسی و مقایسه تمایزیافتگی خود، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی»، دوفصلنامه مشاوره کاربردی، س ۷، ش ۲، ص ۱۷-۳۲.
۲۰. زاهد بابلان، عادل؛ مریم حسینی شورابه؛ مرضیه پیری کامرانی و فاطمه دهقان (۱۳۹۵)، «مقایسه رضایت زناشویی، تعارض زناشویی و بخشش در زوجین عادی و در حال طلاق»، دوفصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، س ۱، ش ۲، ص ۷۴-۸۴.
۲۱. زاهد بابلان، عادل؛ حسن رضایی جمالویی و رعنا حرفتی سبحانی (۱۳۹۱)، «رابطه دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با معناداری در زندگی دانشجویان»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، دوره ۱۳، ش ۳ (پیاپی ۴۹)، ص ۷۵-۸۵.

۲۲. شفيعی، زهرا و رضوان السادات جزایری (۱۳۹۶)، «پیش‌بینی شادمانی زناشویی براساس شفقت به خود و شکفتگی در زنان متأهل»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، س ۱۸، ش ۲، پیاپی ۶۹، ص ۵۶-۶۴.
۲۳. شهبازی، مسعود؛ غلامرضا رجیبی؛ ابراهیم مقامی و آرش جلوداری (۱۳۹۴)، «ساختار عامل تأییدی نسخه فارسی مقیاس درجه‌بندی تجدیدنظر شده شفقت-خود در گروهی از زندانیان»، فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ش ۱۹، ص ۳۱-۴۶.
۲۴. طاهری، ای سونا (۱۳۹۷)، «مقایسه سبک‌های هویتی و سبک‌های دلبستگی در زوجین متقاضی طلاق و عادی شهرستان گنبد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، دانشکده علوم انسانی.
۲۵. عابدینی، نصیر (۱۳۸۸)، «اثر بخشی آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر افزایش خویشتن‌داری جنسی دانشجویان پسر دانشگاه‌های تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
۲۶. عرفانی، احمد؛ باقر غباری بناب و حمید رفیعی هنر (۱۳۹۵)، «نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه دلبستگی به خدا با کارکرد خانواده در میان متأهلین شهر قم»، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، س ۲، ش ۳، ص ۸۱-۹۶.
۲۷. عنایت، حلیمه؛ عبدالله نجفی اصل و صادق زارع (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زود هنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر»، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، س ۲، ش ۳، ص ۱-۳۵.
۲۸. غباری بناب، باقر و مجید بحرینیان (۱۳۹۰)، «رابطه صله‌رحم به پدر و مادر و خویشتن‌اندان با کیفیت دلبستگی به پدر و مادر و افراد بزرگسال»، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، س ۱، ش ۳، ص ۲۰۲-۳۱۴.
۲۹. قادرزاده، امید؛ فردین محمدی و حسین محمدی (۱۳۹۶)، «جوانان و روابط پیش از ازدواج: مطالعه کیفی زمینه‌ها، تعاملات و پیامدهای آن»، راهبرد فرهنگ، ش ۳۸، ص ۷-۴۰.
۳۰. قزل‌سفلو، مهدی؛ رضوان السادات جزایری؛ فاطمه بهرامی و رحمت‌الله محمدی (۱۳۹۵)، «رابطه سلامت خانواده اصلی و شفقت خود با تعهد زناشویی»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، س ۲۶، ش ۱۳۹.
۳۱. کرمی، جهانگیر؛ علی زکی بی؛ امید محمدی و شریفه حق‌شناس (۱۳۹۴)، «نقش عوامل روانی و اجتماعی در پیش‌بینی نگرش به روابط خارج از چارچوب زناشویی در زنان متأهل و ارائه یک مدل براساس عوامل مرتبط»، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، س ۱۳، ش ۳، ص ۱۲۹-۱۵۲.

۳۲. گلزاری، محمود (۱۳۷۹)، تهیه ابزارهایی جهت سنجش عمل به باورهای دینی و انواع حیا و بررسی رابطه دینداری و حیا با ویژگی‌های شخصیت و سلامت روانی، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۳. محمودی ریحانی، لاله و سحر صفرزاده (۱۳۹۶)، «رابطه عمل به باورهای مذهبی و سبک‌های دلبستگی به خدا با سازگاری اجتماعی»، نهمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم اجتماعی.
۳۴. مصطفویان، رضیه (۱۳۹۴)، «بررسی نقش میانجی‌گری وظیفه‌شناسی بر رابطه بین شفقت به خود و رضایت زناشویی بین کارمندان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه مشاوره.
۳۵. مهدی یار، منصوره (۱۳۹۴)، «پیش‌بینی افسردگی بر مبنای تعلق، دلبستگی به خدا، صبر و نگرش‌های ناکارآمد در دانشجویان دانشگاه شیراز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۳۶. نجات، آسیه؛ فاطمه شهابی‌زاده؛ باقر غباری‌بناب (۱۳۹۳)، «بررسی نقش تصور از خود در رابطه‌ی میان دلبستگی ادراک شده با سلامت روانی در دانشجویان»، مطالعات روان‌شناختی، دوره ۱۰، ش ۴، ص ۷۳-۱۰۰.
۳۷. نجفی، محمود؛ مهسا بیطرف؛ محمدعلی محمدی‌فر و الهه زارعی مته کلایی (۱۳۹۴). «مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و بینش شناختی در زنان متقاضی طلاق و عادی»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، س ۶، ش ۴، ص ۴۱-۵۸.
۳۸. نظری، علی محمد؛ محمد رسولی؛ رضا داورنیا؛ امین حسینی و محسن بابایی گرمخانی (۱۳۹۴)، «اثربخشی درمان کوتاه‌مدت راه حل محور بر فرسودگی زناشویی و میل به طلاق در زنان متأهل»، نشریه روان‌پرستاری، دوره ۳، ش ۳، ص ۴۱-۵۲.
۳۹. نورعلیزاده میانجی، مسعود (۱۳۸۸)، «مدل اسلامی مصون‌سازی رفتار جنسی با تأکید بر پیشگیری و درمان انحراف‌ها و مشکلات جنسی»، فصلنامه تخصصی اسلام و روان‌شناسی، س ۳، ش ۵، ص ۱۰۷-۱۴۲.
۴۰. وزیري تبار، هدیه؛ مسعود عارف نظری (۱۳۹۴)، «مقایسه سبک‌های دلبستگی و الگوهای ارتباطی زوجین متقاضی طلاق و زوجین با زندگی عادی»، کنفرانس سالانه رویکردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی، دوره ۱.
۴۱. همتی، سجاد (۱۳۹۳)، «اثربخشی آموزش خویش‌داری جنسی بر افزایش رضایت از زندگی و شادکامی در دانشجویان پسر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

42. Baumeister, R.F., Heatherton, T.F., & Tice, D.M. (1994), *Losing control: How and why people fail at self-regulation*, San Diego, CA: Academic Press.
43. Berryhill, M. B., Hayes, A., Lloyd, K. (2018), Chaotic-Enmeshment and Anxiety: The Mediating Role of Psychological Flexibility and Self-Compassion. *Contemporary Family Therapy*, 1-12.
44. Bowlby, J. (1969), *Attachment and loss*, Vol. 1: Attachment. New York: Basic Books.
45. Bradshaw, M., Kent, B. V. (2018), Prayer, Attachment to God, and Changes in Psychological Well-Being in Later Life, *J Aging Health*, 30 (5), 667-691.
46. Campbell, T. L. (2013), The effectiveness of family interventions for physical disorders, *Journal of marital and family*, 29 (2), 263-281.
47. Cassidy, J., Phillip, R. (2016), *Hand book of attachment: theory, research and clinical application*, new York: Guilford press.
48. Hardy, S. A., Willoughby, B. J. (2017), Religiosity and chastity among single young adults and married adults, *Psychology of Religion and Spirituality*, 9, 285-295.
49. Homan, K. J. (2016), Secure attachment and eudaimonic well-being in late adulthood: The mediating role of self-compassion. *Aging & mental health*, 1-8.
50. Jacobson, E. H. K., Wilson, K. G., Kurz, A. S., Kellum, k. k. (2018), Examining self-compassion in romantic relationships, *Journal of Contextual Behavioral Science*, v 8, 69 – 73.
51. KianpourBarjooe, L., Saeinia, M. (2016), The Effect of Self-Compassion Training on Self-Discrepancy of the Married Women Referred to the Family Counseling Centers in NaftShahr County in Ahvaz. *International Journal of Humanities and Cultural Studies*, ISSN 2356-5926, 627-635.
52. Kirkpatrick, L. A. (1999), Attachment and religious representations and behavior. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp. 803-822). New York: Guilford.
53. Labash, M. (2014), Chastity: The final taboo. In J. V. Last (Ed.), *The seven deadly virtues: 18 conservative writers on why the virtuous life is funny as hell*, (pp. 95-109). West Conshohocken, PA: Templeton Press.
54. Meier, A. M. (2003), Adolescents' transition to first intercourse, religiosity, and attitudes about sex, *Social Forces*, 81:1031-1052.

55. Mogilski, J. K., Wade, T. J., Welling, L. L. (2014), Prioritization of Potential Mates' History of Sexual Fidelity During a Conjoint Ranking Task, *PersSocPsychol Bull*, 40 (7): 884-897.
56. Neff, K. D. (2003_a), Self-compassion: An alternative conceptualization of a healthy attitude toward oneself. *Self and Identity*, 2 (2), 85-101.
57. Neff, K. D. (2003_b), The development and validation of a scale to measure self-compassion. *Self and Identity*, 2 (3), 223-250.
58. Neff, k. d., Costigan, A. P. (2014), Self-Compassion, Wellbeing, and Happiness, *Psychologie in Österreich*, 2/3, 114 – 119.
59. Neff, K. D., Germer, C. (2017), Self-Compassion and Psychological Wellbeing. In J. Doty (Ed.) *Oxford Handbook of Compassion Science*, Chap. 27. Oxford University Press.
60. Raes, F. (2010), Rumination and worry as mediators of the relationship between self-compassion and depression and anxiety, *PersIndividDif*, 48 (6), 757-761.
61. Raes, F., Pommier, E., Neff, K. D., & Gutch, D. V. (2011), Construction and factorial validation of a short form of the Self- Compassion Scale, *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 18, 250-255.
62. Refahi, Z., Bahmani, B., Nayeri, A., Nayeri, R. (2015), The relationship between attachment to God and identity styles with Psychological well-being in married teachers, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 174, 1922-1927.
63. Seligman, M. E. P., Peterson, C., Park, N. (2004), *Strengths of character and well-being*. *Journal of Social and Clinical Psychology*, v23, No. 5, 603-619.
64. Winter, T., Karvonen, S., Rose, R. J. (2014), Associations between sexual abstinence ideals, religiosity, and alcohol abstinence: a longitudinal study of Finnish twins, *J Sex Res*, 51 (2): 197-207.